

كشيش تٲ اسٲوارٲ

قءرٲ بآشش كٲاب مقءسى

مؤسسهٲ ءعللم

www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production

TALIM MINISTRIES, INC.
P.O. BOX ११३६
Aurora, Colorado ८००११-११३६
Fax: +१-३०३-८१३ ६२ १६
www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production

(Anno Domini २००९)

بخش اول

«و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است» (افسیان ۴: ۳۲)

آیا دشوارتر از این چیزی هست؟

بخشش در قلب انجیل جای دارد، و به وضوح و قدرت تمام، در بخشوده شدن ما توسط خدا به ظهور میرسد، خدایی که از طریق کار گرانبهای عیسی مسیح بر صلیب ما را بخشید. وقتی ما دیگران را می بخشیم، آنان را که با اعمال و گفتار خود ما را مجروح ساخته اند، بیش از هر زمان دیگر شبیه مسیح می شویم. و در بخشودن دیگران است که نشان می دهیم تا چه حد از فیض مسیح برخوردار گشته ایم. وقتی دیگران را می بخشیم، چنان می کنیم که مسیح در حق ما کرد، زیرا محبت خطایای دیگران را ثبت و ضبط نمی کند بلکه گناهان بسیار را می پوشاند. اما با وجود این همه، آیا چیزی دشوارتر از بخشیدن وجود دارد؟ هر بار که درباره بخشش موعظه می کنم، با این سؤال مواجه می شوم: «آیا باید شخصی را ببخشم که هرگز طلب بخشش نکرده است؟ اگر او را ببخشم آیا درس عبرت خواهد آموخت؟ آیا در مورد او عدالت را اجرا کرده ام؟ اگر هر بار او را ببخشم و او به خطایای خود ادامه دهد چه؟ چند با باید او را ببخشم؟ جای شک نیست که موعظه کردن در مورد بخشش بسی آسانتر از بخشیدن است؟ یعنی عملی که ثمره عملکرد روح القدس در درون ماست.

دیوار حیاطمان خراب شد!

من خود را ملزم به نوشتن در مورد این موضوع می دانم چرا که در طی دوران سی ساله خدمت خود دیده ام که هیچ چیز دیگری به اندازه نبخشیدن یا روحیه عدم بخشش، پیکر کلیسای مسیح را مصدوم نساخته است. مسیح ما را به خدمت مصلحه فرا خوانده است (۲قرننتیان ۵: ۱۸-۱۹) و به ما آموخت که آمده است تادیوارجدایی و نفاق را از میان ما بردارد (افسیان ۲: ۱۴)، حال آنکه برخی از ما نه تنها بدین دیوارها چنگ زده ایم، بلکه دیوارهای جدید و مرتفع تری نیز بنا می کنیم. سالها پیش وقتی در تبریز زندگی می کردیم، دیوار حیاطمان به علت بارندگی زیاد فرو ریخت. پیش از فرو ریختن دیوار نمی دانستیم که در پس آن چه می گذرد، اما وقتی فرو ریخت دیدیم بچه های بسیار خوبی در آن سوی دیوار زندگی می کنند و بعد با آنان آشنا شدیم و با هم به بازی پرداختیم. ما از دوستی و مصاحبت یکدیگر لذت می بردیم تا آنکه در نهایت تأسف، یک بنا و کارگزارش دیوار را بازسازی و مرمت کردند. همچنان که دیوار بالا می رفت، ما نیز از یکدیگر دورتر می شدیم و دوستان جدیدمان را از دست می دادیم. مسیح آمد تا دیوارهای جدایی را فرو ریزد و در هم شکند و از ما نیز انتظار آن دارد که قدرت بخشش کتاب مقدسی را درک کنیم.

تنها راه برای آزادی در روابط

وقتی نیرویی درونی، شما را وا می دارد که زخم و جراحت درونی و درد ناشی از آن را تازه نگه دارید، بدانید که خدا شما را فرا می خواند تا همه را کنار بگذارید. شما را فرا می خواند تا دیگران را ببخشید زیرا این تنها راهی است که می توانید از طریق آن از تمامی تلخی و تیرگی موجود در روابط تان آزاد شوید (عبرانیان ۱۲: ۱۵). این تنها راهی است که از طریق آن می توانید مسح روح القدس را بر زندگی و خدمت خود جاری سازید (افسیان ۴: ۳۰-۳۲). به تدریج که می آموزید دیگران را

بخشید، همانگونه که خدا شما را بخشید، برکات خدا بطور مضاعف به شما عطا می شود.

در این بحث، نقل قولهای خود را از کتاب «بخشش کامل» نوشته آر.تی. کندل اقتباس کرده ام. و از آنجا که این کتاب به فارسی ترجمه نشده است، می خواهم پیام قدرتمند آنرا با شما در میان بگذارم. برای درک بهتر مفهوم واقعی بخشش کتاب مقدسی، می خواهم براساس نوشته کندل بر شمارم که بخشش چه چیزهایی نیست.

بخشش چه نیست؟

۱- بخشودن دیگران به مثابه تأیید اعمال نادرستشان نیست. خدا از گناه بیزار و متنفر است اما گناهکاران را دوست دارد و آنان را می بخشد. این حقیقت را به وضوح در شرح داستان زنی که در حال زنا گرفتار شده بود می بینیم. عیسی به او گفت «برو و دیگر گناه مکن» (یوحنا ۸: ۱۱). ما نیز باید بیاموزیم که بخشودن دیگران به مثابه تأیید اعمال نادرستشان نیست.

۲- بخشودن دیگران به مثابه توجیه اعمال نادرستشان نیست. یک بار شنیدم که فردی در صدد بود تا کار سارق را که چیزی دزدیده بود توجیه کند و می گفت که او به علت فقر و گرسنگی، دست به دزدی زده است. دزدی گناه است، صرف نظر از هرگونه توجیهی که فرد خاطی می تواند داشته باشد. پس بخشودن دیگران به مثابه پیداکردن توجیهی برای گناهشان نیست.

۳- بخشودن یک فرد به معنای عفو و بخشودگی قانونی نیست. عفو و بخشودگی قانونی بدین معنا است که تمامی تبعات و عواقب اعمال خلاف یک شخص را نیز عفو کنیم. این موضوع زمانی برای من واضح و آشکار شد که خانمی ایرانی ساکن یکی از کشورهای غربی به پلیس مراجعه کرد و گفت که شوهرش او را کتک می زند. مأموران نیز

شوهر او را دستگیر کردند و به زندان انداختند. این خانم به من تلفن کرد و درحالی که گریان بود گفت: «شوهرم را می بخشم و می خواهم به خانه برگردد». اما بخشودن آن خانم نمی تواند تبعات و عواقب عمل اشتباه شوهرش را عفو کند چرا که او قانون مملکت را زیر پا گذاشته بود و باید عواقب کار خود را نیز متحمل می شد.

۴- بخشش دیگران به معنای مصالحه با آنان نیست. زیرا در مصالحه باید هردو شخص حضور داشته باشند و با یکدیگر مصالحه کنند؛ اگرچه برخی مواقع بخشش منتهی و موجب مصالحه نیز می شود. اما برخی مواقع نیز فردی دیگری را می بخشد اما فرد دیگر حاضر به دریافت بخشش نیست. و یا ممکن است که ما فردی را ببخشیم که دیگر در قید حیات نیست و این نیز موجب مصالحه نمی شود. اگر چه مصالحه با دیگران هدفی مطلوب و ایده آل است اما حتی زمانی که دیگران حاضر به مصالحه نیستند نیز می توانیم بخشودن را بیاموزیم.

۵- بخشودن به معنای آن نیست که عمل خطایی انجام نشده است. برخی مواقع خطایی که رخ داده چنان دهشتناک و دردناک است که ما سعی می کنیم بر آن سرپوش بگذاریم و چنان وانمود کنیم که گویی هرگز رخ نداده است. سوء استفاده جنسی در دوران کودکی اغلب چنان دشوار و دردناک است که افراد آنرا در اعماق وجود و ضمیر ناخودآگاه خود فرومیبرند و این خود می تواند منشأ بروز افسردگی و انواع مشکلات روحی باشد. اما بخشیدن به معنای روبرو شدن با حقایق و بخشودن با مدد و فیض خداست. فرد مجروح می تواند از رنج و عذاب درونی رهایی یابد اما پیش از شفای الهی باید در حضور خدا با آن روبرو شود و احساسش کند.

۶- بخشش به معنای فراموش کردن عمل خطا نیست. اگر چه گذشت زمان بسیاری از زخمها را التیام می بخشد، اما صرفاً برای فراموش

کردن خطا و گناهی که علیه افراد انجام شده کافی نیست. اولاً ما به ندرت می توانیم حقیقتاً جراحات گذشته را فراموش کنیم. اخیراً فردی پیش من اعتراف کرد که مرا بخشیده است، و من از شرح جزئیات آنچه را که سالها پیش اتفاق افتاده بود شگفت زده شده بودم. ما به جای آنکه فراموش کنیم، باید ببخشیم، و پس از بخشیدن، دیگر نباید از آنچه اتفاق افتاده چیزی به دل بگیریم و همچون فردی زخم خورده با شخص خاطی روبرو شویم. بسیاری از ازدواج ها در اثر یادآوری آنچه در گذشته اتفاق افتاده از هم فرو می پاشند.

۷- بخشیدن بدان معنا نیست که وانمود کنیم صدمه ای ندیده ایم. تا کنون چند بار شده که فردی را دیده باشید و در ظاهر چنان وانمود کنید که گویی با او در مصالحه اید حال آنکه در باطن از او متنفر بوده اید؟ شاید هم مثل من فکر کنید که چون مسیحی هستید، پس نباید احساس رنجش و جراحت کنید و چنان وانمود کنید که گویی چیزی اتفاق نیفتاده است. اما اگر مراقب نباشید، همان وانمود کردن ها و ظاهر سازی های کوچک می تواند روح تلخی در ما بوجود آورد که روح القدس را آزرده می سازد. پس بهتر آن است که صادقانه ابراز کنیم که مجروح و مصدوم شده ایم. و بعد تصمیم بگیریم که فرد خاطی و گنه کار را ببخشیم.

بخش دوم

«و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه در دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید» (کولسیان ۳: ۱۳).

وقتی شروع به خالی کردن دلش نمود، متوجه شدم بسیار دردمند است. من میهمان او بودم و رفته بودم تا در کلیسایش موعظه کنم، اما اکنون که تنها بودیم، حالش را پرسیدم. کلیسایش دچار چندین تجربه شده بود و اکثر همکاران مورد اعتمادش، او را ترک کرده بودند. اتهامات وحشتناکی بر او وارد آورده بودند؛ اما اینک تنها بودیم و او می توانست آزادانه درددل خود را با من درمیان بگذارد. درحالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت که تنها هدفش این بود که مسیح و مردم را خدمت کند. گفت که چگونه یکی از رهبران به او قول حمایت و وفاداری داده بود ولی بعداً به او پشت کرده، خدمتش را از میان برده بود. وقتی گوش می دادم، خشم را در صدایش احساس می کردم و می دیدم که می خواهد به نحوی تلافی کند.

با ملایمت، مسأله بخشش را پیش کشیدم. این او را عصبانی تر کرد. با صدای بلند گفت: «چطور می توانی چنین خیانتی را ببخشم؟ عدالت و انصاف چه می شود؟» به آرامی از او خواستم تا چند دقیقه به من گوش دهد. با بی میلی پذیرفت.

گفتم: «بخشش برای کسی نیست که دلت را جریحه دار ساخته، بلکه برای خودت است!» سپس توضیح دادم که چگونه بخشیدن این شخص می تواند برای خودش مفید باشد. پرسیدم: «آیا می خواهی روح القدس زندگی و خدمتت را بیشتر مسح کند؟» سرش را به علامت تصدیق تکان داد. حرفم را ادامه دادم: «خدا زندگی ات را به همان میزانی مسح می کند که دیگران را ببخشی (افسیسیان ۴: ۳۰). اگر تلخی را در دلت نگه

داری و درباره دیگران به سخن چینی ادامه دهی، خدا مسخ خود را از زندگی تو برخواهد داشت».

وقتی با او صحبت می کردم، می توانستم ببینم که چگونه روح القدس شروع به لمس قلب متلاطمش کرده است. گفت: «ادامه بده».

پرسیدم: «عیسی در دعای ربانی چه تعلیمی درباره بخشش داده است؟» بدون تردید پاسخ داد: «قرض های ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرض داران خود را می بخشیم.» گفتم: «هر بار که این دعا را می کنیم، از خدا می خواهیم که ما را ببخشد به همان شکل که ما دیگران را می بخشیم. به عبارت دیگر، اگر مایلی خدا تو را ببخشد و زندگی ات را برکت دهد، باید همین کار را در مورد دیگران انجام دهی؛ هر چقدر با دیگران رحیم باشی، بر تو رحم کرده خواهد شد.» در ادامه به او گفتم که فیض خدا به همان شکلی وارد زندگی ما می شود که میخ در اثر ضربات چکش نجار وارد چوب می شود. با هر ضربه، میخ عمیق تر وارد چوب می شود و به همان نسبت نیز فضای بیشتری برای میخ ایجاد می شود. خدا به ما می آموزد که با هر تجربه دردناک، فرصتی ایجاد می شود تا فیض او عمیق تر وارد قلب ما شود؛ به این شکل، قلب خدرا عمیق تر درک می کنیم و قدرت می یابیم تا رحمت او را بر دیگران منعکس سازیم.

دوستم به گفتگویمان فکر می کرد و به طرز غریبی ساکت به نظر می رسید، اما من می خواستم مطمئن شوم که او قدرت بخشش را بطور کامل درک کرده است. می دانستم که ثمربخشی آتی او بستگی به این مسأله دارد؛ به همین دلیل بیشتر پافشاری کردم و گفتم: «ولی دلیل دیگری هم برای بخشیدن دیگران وجود دارد: بخشش شهادت غیر قابل انکاری است درباره قدرت مسیح!» مردم می توانند پیام انجیل را رد کنند، اما نمی توانند بخشش را رد کنند. بخشش نشان می دهد که خدا در زندگی ما کار می کند؛ رومیان ۸:۵ نیز این را نشان می دهد و می فرماید: «خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.» وقتی مردم با چنین بخششی

در زندگی ما روبرو شوند، با کار خدایی که خدمتش می کنیم رویاروی می شوند. برای اینکه این نکته را در ذهن دوستم عمیقاً جای دهم، ماجرای ایماندار را تعریف کردم که در پارکی در ترکیه مشغول شهادت دادن بود؛ طرف مقابل او خشمگین شد و با چوب به سر و صورت آن ایماندار کوفت و پا به فرار گذاشت. ساعاتی بعد، ایماندار منزل آن شخص را پیدا کرد و در زد. وقتی در باز شد، آن شخص با صورت خونین آن ایماندار روبرو شد. شخص مسیحی گفت: «آمده ام به تو بگویم که خدا تو را دوست دارد و من هم دوستت دارم.» آن مرد چنان تکان خورده بود که فرد مسیحی را به داخل دعوت کرد و چیزی نگذشت که قلب خود را تسلیم مسیح نمود. آنچه قلب سرکش آن مرد را دگرگون ساخت، موعظه نبود؛ قدرت بخشش بود.

یک هشدار!

امیدوارم گفتگوی من با این همسنگرم موجب شده باشد که شما هم یقین بدانید که بخشیدن آنانی که شما را جریحه دار ساخته اند به نفع شما است. هنگامی که از خدا می خواهید شما را در بخشیدن دیگران یاری دهد، باید مراقب چند راه نادرست باشید که ممکن است شما را متقاعد سازند که طرف مقابل را بخشیده اید.

● گاه احساس می کنید که خشم و خصومتتان نسبت به طرف مقابل کاهش یافته است. چنین بخششی اساساً بخشش نیست؛ بلکه فقط توجه به مسائل دیگر است و فراموش کردن مسائل قدیمی تر. فراموش کردن همان بخشیدن نیست.

● سطح دیگری از بخشش هست که میتوان آنرا بخشش محدود نامید. در این مورد، احساسات منفی ما کاهش می یابد و قادر می شویم ارتباطات اجتماعی مان را از نو برقرار سازیم؛ با اینحال قادر نیستیم به آن شخص مجدداً اعتماد کنیم. واقعیت این است که ظاهر بخشش را حفظ کرده ایم، اما در قلب خود، همان جراحات را هنوز نگه داشته ایم.

بخشش کامل کتاب مقدسی یعنی دست کشیدن کامل از احساسات منفی و برقراری مجدد رابطه.

بخشش و مصالحه

در اینجا باید خاطرنشان سازم که میان بخشیدن و آستی کردن تفاوت مهمی وجود دارد؛ بخشش در قدرت ماست که انجام دهیم، اما آستی و مصالحه مستلزم شراکت هر دو طرف است. خدا ما را فرا خوانده تا دیگران را ببخشیم و تا آنجا که می توانیم در جهت مصالحه بکوشیم؛ اما گاهی اوقات ما شخصی را می بخشیم اما او نمی تواند ما را ببخشد. در چنین مواردی، تنها کاری که از دست ما برمی آید این است که ثابت کنیم طرف را بخشیده ایم و دعا کنیم که خدا قلب طرف مقابل را شفا دهد.

بخشش یک انتخاب است

بخشش کتاب مقدسی یک انتخاب است انتخاب این راه که از انتقام و تلافی و مجازات طرف مقابل چشم پوشیم و مانند مسیح برای دشمنان خود دعای بخشایش کنیم (لوقا ۲۳: ۳۴). خدا بعنوان پاداش، به آنانیکه دیگران را می بخشند، مسح بیشتر روح القدس و فیض بیشتر و شهادتی مؤثرتر را عطا می فرماید.

بخش سوم

« خوشابحال رحم کنندگان، زیرا برایشان رحم کرده
خواهد شد » (متی ۵: ۷).

در بخشش قدرتی نهفته است؛ بدون قدرت الهی نمی توانیم آنانی را که قلب ما را با خشونت شکسته اند و حق و حقوقمان را پایمال کرده اند ببخشیم. منبع قدرت ما برای بخشش، سکونت مسیح در ماست که ما را دعوت می کند تا آنانی را که ما را زخمی کرده اند ببخشیم و قدرت این کار را نیز به واسطه روح القدس عطا می فرماید. قابلیت بخشش در برقراری مجدد روابط و دل‌های شفا یافته متجلب می شود و آنانی که می بخشند، ثمره آرامش و شادی را تجربه خواهند کرد. نبخشیدن ایجاد تلخی می کند و هنگامی که از این تلخی آزاد می شویم، احساس آزادی و شادی بسیاری می کنیم.

تا کنون در این مجموعه از مقالات، دیدم که بخشش چه نیست (شماره ۲۳ شبان) و اینکه اگر نبخشیم، چه برکاتی را از دست می دهیم (شبان ۲۴). در این شماره، می خواهم خصوصیات بخشش واقعی کتاب مقدسی را از قول آر.تی. کندال شرح دهم.

۱- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی، رویارو شدن کامل با این حقیقت تلخ است که دیگران با ما چه کرده اند. بخشش واقعی کتاب مقدسی از زمانی آغاز می شود که بطور کامل با آنچه که با ما کرده اند روبرو شویم و درد آن را احساس کنیم. تا زمانی که انکار کنیم که واقعاً چه رخ داده، یا طرف مقابل را تیرئه کنیم، به هسته مرکزی موضوع نخواهیم رسید. به همان شکل که شخص گناهکاری که به عمق تباهی خود پی نمی برد و نتیجتاً برای طلب بخشش نزد مسیح نمی آید، شخصی نیز که نمی خواهد بپذیرد تا چه حد جریحه دار شده، نزد مسیح نمی آید تا قدرت بخشیدن دیگران را از او دریافت دارد. بخشش واقعی دردناک

است زیرا وقتی پذیرفتیم که چقدر جریحه دار شده ایم، بر آن می شویم تا آرزوی خود را برای انتقام به مسیح واگذار کنیم، با علم کامل به اینکه زخمی کننده ما ممکن است مورد برکت واقع شود و هیچگاه متحمل عواقب خطایی که در حق ما انجام داده است، نشود. اگر چنین کنیم، در رنجهای مسیح شریک می شویم و نشان می دهیم که محبت و رحمت مسیح تا چه میزان قلب ما را تسخیر کرده، و بدینسان، مهربانی او را در نگرش و رفتارمان منعکس می سازیم.

۲- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم هیچ خاطره ای از خطا نگه نداریم. پولس رسول در بخش پرشکوهی که در مورد محبت نوشته، می گوید که «محبت سوء ظن ندارد» (یعنی خطا را به خاطر نمی سپارد) (اول قرنتیان ۱۳: ۵). چرا ما خطای دیگران را به خاطر می سپاریم؟ شاید علت این باشد که بتوانیم از آن بر علیه دیگران به نفع خود استفاده کنیم. می خواهیم «واقعیت ماجرا» را به دیگران ثابت کنیم و از آن در درگیریهای آتی بعنوان اسلحه استفاده کنیم، و از گذشته بهره بگیریم تا به خطاکار درسی بیاموزیم که خطاهای خود را تصدیق کند و از آنها دست بکشد. حتی شاید لذت ببریم از اینکه زخمهای گذشته را یادآوری کنیم تا قلب آنانی را که به ما بدی کرده اند، به درد آوریم. هرچه نباشد، آنها دل ما را جریحه دار ساخته اند؛ آیا حق نداریم تلافی کنیم؟ اما همه این واکنشها گناه آلود است و در پرتو محبت مسیح قابل توجیه نیست. بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم همچون مسیح محبت کنیم. بخشش کتاب مقدسی به این معنا نیست که مطابق احساساتمان عمل کنیم، بلکه بر اساس اطاعت از مسیح. هنگامی که به خاطر اطاعت از مسیح، خطاکاری را می بخشیم، خدا وفادارانه به ما شادی و آرامش می بخشد، زیرا با انتخاب راه بخشش، راه او را انتخاب کرده ایم، و اجازه داده ایم که قدرت قیامت او به واسطه ما متجلی شود.

۳- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که مصمم شویم انتقام نگیریم. پولس می نویسد: «هیچکس را به عوض بدی، بدی مرسانید» (رومیان ۱۲: ۱۷)، و «ای محبوبان»، انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است «خداوند میگوید که انتقام از آن من است؛ من جزا خواهم داد» (رومیان ۱۲: ۱۹). در وجود ما احساسی نهفته است که ما را برآن می دارد تا مجازات آنانی را که به ما خطا کرده اند ببینیم. از این بدتر این است که به مسأله حالت روحانی نیز می دهیم و می گوئیم که قصد ما فقط این است که مایلیم عدالت انجام شود. اما اگر خدا را می شناختیم و می دانستیم که فرموده که انتقام را به عمل خواهد آورد. وقتی بر تحقق انتقام اصرار می ورزیم، در واقع حقی را که فقط از آن خداست، غصب میکنیم و باعث رنجش او می شویم. وقتی می ترسیم که مبادا آزارندگان ما بدون مجازات بمانند، به این فرموده روشن خدا شک می کنیم که گفته است انتقام از آن اوست (مزمور ۳۷). بطور خلاصه، بخشش کتاب مقدسی این است که این میل طبیعی خود را کنار بگذاریم که میخواید مطمئن شود که آزارندگان ما به کیفر خود می رسد. باید بگذاریم محبت عظیم خدا جایگزین انتقام گردد. از همین رو است که یوحنا رسول می نویسد: «در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل، ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است» (اول یوحنا ۴: ۱۸، نقل از ترجمه هزاره نو). ما در مسیح دیگر نمی ترسیم که مجازات و مکافات داده نشود؛ ما توجه داریم که مکافات قبلاً بر روی صلیب داده شده و آنانی که در مسیح هستند، در طول سفر زندگی، یا در روز داوری، به مکافات خواهند رسید (رومیان ۲: ۱-۶).

۴- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که شخص به غیبت در مورد آزاردهنده خود نمی پردازد. «هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه به حسب حاجت یا برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند» (افسیان ۲۶: ۴). این وسوسه وجود دارد که بر علیه

خطاکننده خود غیبت کنیم و از این راه به شخصیت و اعتبار او لطمه وارد سازیم، و به این شیوه، از او انتقام بکشیم. بخشش واقعی درصدد لطمه زدن به شخصیت و شهرت دیگران نیست. من معتقدم که وقتی خدا تمام گناهان مرا بخشید و آنها را زیر خون مسیح پوشاند، آنها را بالا نگرفت تا تمام دنیا ببیند. بنابراین، اگر بخواهم مانند خدا ببخشم، نباید خطاهایی را که دیگران در حق من کرده اند مورد اشاره قرار دهم، بلکه باید در سکوت آنها را ببخشم. زیرا وقتی درباره خطاهای دیگران سخن می گویم، نشان می دهم که واقعاً پی نبرده ام خدا چگونه مرا بخشیده است، و هنوز در مقام داور دیگران عمل می کنم. فقط تجسم کنید چه تحولی رخ خواهد داد اگر در روابطتان غیبت را کنار بگذارید و به بخشش کتاب مقدسی واقعاً عمل کنید.

۵- نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی این است که همانند خدا رحمت نشان دهیم. «خوشا به حال رحم کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد» (متی ۵: ۷). دعوت خدا از تمام ایمانداران این است که هرچه بیشتر شبیه خدا شوند. «از خدا سرمشق بگیرید» (افسیان ۵: ۱، هزاره نو). بدیهی است که خدا خصوصیتی دارد که ما نمی توانیم داشته باشیم. ما نمی توانیم در همه جا حاضر باشیم! اما خصوصیات و صفات بسیاری در خدا هست که مسیحیان امر شده اند از آنها برخوردار باشند. ما باید مهربان و وفادار و رحیم باشیم. رحمت یعنی اینکه مکافات را که سزاوارش هستیم دریافت نکنیم، زیرا خدا مسأله عدالت را بر روی صلیب حل کرد. رحیم بودن یعنی اینکه با دیگران آنگونه بد رفتاری نکنیم که سزاوارش هستند، بلکه رفتاری بکنیم که شایسته اش نیستند، یعنی بخشش. وقتی رحمت نشان می دهیم، مانند مسیح می شویم. و برمانیز همانگونه رحمت خواهد شد که به دیگران رحمت کرده ایم.

۶- نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی، تغییر قلبی است. عیسی این واقعیت را بسیار عمیق بیان کرد، آنگاه که فرمود: «زبان از زیادتی دل

سخن می گوید» (متی ۱۲: ۳۴). سلیمان پادشاه، این نکته را اینگونه بیان کرد: «دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است» (امثال ۴: ۲۳). اگر دیگران را بطور کامل نبخشیده باشیم، خشم در قلبمان تخمیر می شود و روحیه تلخی را پدید می آورد که دیر یا زود، در رفتار و گفتار ما منعکس می شود. تلخی، خود را در قالب علائم مختلفی نشان می دهد، نظیر بالا رفتن فشار خون، بی خوابی، افسردگی، و بدبینی به زندگی. رهایی از تلخی به دل انسان مربوط می شود و باید همچون گناه به آن اعتراف کرد و با فیض خدا آن را ریشه کن ساخت. تلخی ما ممکن است در این انتظار ریشه داشته باشد که در خطاکننده خود نشانی از پشیمانی ببینیم. اگر در انتظار این هستید که دیگران پی ببرند که چه خطای بزرگی علیه شما مرتکب شده اند، موضوع را کاملاً فراموش کنید! اکثر کسانی که قلبتان را شکسته اند یا به شما اهانت کرده اند، اصلاً متوجه موضوع نیستند. بخشش واقعی منتظر این نمی ماند که دیگران را ببخشند یا اینکه بیایند و تقاضای بخشش کنند؛ بخشش واقعی این است که مانند مسیح واکنش نشان دهیم و تصمیم بگیریم به خاطر اطاعت از فرمان خدا، آنان را ببخشیم.

بخش چهارم

آن سال، زمستان زودتر از سالهای قبل به آلاسکا رسید. قشر ضخیمی از یخ سطح دریا را فرا گرفت و آنرا برای نهنگها (بالن ها) تبدیل به قبری ساخت که می بایست در اثر خفگی در آن زنده به گور شوند. خوشبختانه چند ماهیگیر متوجه موضوع شدند و به سرعت سوراخی در یخ ایجاد کردند تا این پستانداران عظیم الجثه بتوانند برای تنفس به سطح آب بیایند. نهنگها به هوای آزاد دسترسی یافتند و آزاد شدند.

مسیحیان نهنگ وار!

مسیحیانی که قلبی نابخشنده دارند، بسیار شبیه آن نهنگانی هستند که بدون هوا در زیر یخ گیر افتاده بودند، زیرا ایشان وقتی تصمیم می گیرند که آنانی را که دلشان را جریحه دار ساخته اند نبخشند، مانند آن نهنگها از هوای تازه روح خدا محروم می شوند و به تدریج خود را از نظر روحانی می گشند. چنین مسیحیانی مسح روح خدا را از دست می دهند و به شهادت خود در مورد جلال مسیح لطمه وارد می کنند. در نقطه مقابل، مسیحیانی که روح بخشایش دارند، مانند نهنگانی هستند که سوراخهای ضروری برای تنفس را در یخ می یابند و از هوای آزاد بهره می برند. چنین مسیحیانی در مسیر آزادی روحانی گام برمی دارند. من شاهد ویرانی کلیساها و خدمات بسیاری بوده ام که علتش همین روحیه عدم بخشایش بوده، و سخنان و رفتارهای حاکی از انتقام که به دنبال آن می آید. من واعظانی را دیده ام که در مورد محبت مسیح و بخشایش موعظه می کنند، اما در مورد دیگران فریاد نفرت سر می دهند و برادر و خواهر خود را تحقیر می کنند، زیرا گرفتار روح عدم بخشایش می باشند. شاید در مورد بخشایش موعظه کنید و با تمام قلب خود باور داشته باشید که این امری است الهی؛ اما آیا مطمئنید که آنانی را که شما را ناسزا گفته اند و دلتان را جریحه دار ساخته اند بخشیده اید؟ در این آخرین بخش از موضوع مهم قدرت بخشش کتاب مقدسی، می خواهم آن «شواهد کتاب مقدسی» را با شما در میان بگذارم که نشان می دهند از روحیه عدم بخشایش آزاد شده اید.

۱- بخشایش واقعی ما را از نیاز به سخن گفتن درباره چگونگی جریحه دار شدن از سوی دیگران آزاد می سازد. بارها شنیده ایم که شخص می گوید که فلان کس را بخشیده است، اما از صحبت کردن درباره او باز نمی ایستد. وقتی درباره این می اندیشیم که خدا چگونه ما را بخشیده است، پی می بریم که یکی از حقایق مهم

این است که وقتی خدا ما را می بخشد، گناهانمان را از مقابل دیدگان خود دور می سازد.

مزمورنگار فریاد شادی سر داده، می نویسد: «به اندازه ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است» (مزمور ۱۰۳: ۱۲). پطرس رسول به هنگام موعظه اش فرمود: «توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند فرا برسد» (اعمال ۳: ۱۹). در اینجا گفته می شود که توبه سبب محو شدن گناهانمان می شود؛ یعنی اینکه خدا دیگر آنها را نمی بیند و چنین اعتمادی برای روح ما آرامی به ارمغان می آورد. چه آسودگی خاطری می توانیم داشته باشیم وقتی که به گناهان خود به حضور خدا اعتراف می کنیم زیرا می دانیم که به محض اینکه گناهان ما را بخشید، دیگر راجع به آن با دیگران سخن نمی گوید! اما سؤال این است که با برخورداری از چنین تجربه شیرینی، چرا هنوز درباره خطاهایی که دیگران در حق ما کرده اند، سخن می گوئیم، چنانچه واقعاً ایشان را بخشیده باشیم؟ برای این، فقط یک پاسخ متصور است و آن اینکه هنوز می کوشیم ایشان را تنبیه کنیم. وقتی می کوشیم دیگران را به خاطر خطایی که نسبت به ما مرتکب شده اند تنبیه کنیم، بار دیگر مرتکب گناه می شویم، چرا که کلام خدا با قاطعیت فرموده است: «ای محبوبان، انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است خداوند می گوید که انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد» (رومیان ۱۲: ۱۹).

۲- بخشایش واقعی را از این حقیقت می توان بازشناخت که آنانی که بخشیده ایم، احساس خواهند کرد که مورد پذیرش و محبت قرار دارند و دیگر نیازی نیست هراسان باشند.

«در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند، زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است» (اول یوحنا ۴: ۱۸، ترجمه هزاره نو). اخیراً

با شادی دریافتیم که برادری که او را رنجانده بودم، از سوی خدا هدایت شده که مرا ببخشد. آنچه که این بخشایش را واقعی تر ساخت، این بود که همراه با عطای بخشایش، محبتش را نیز نثار من کرد. هرگز فراموش نخواهم کرد که چگونه مرا در آغوش گرفت و این کارش، باعث شد که هر ترسی از دلم رخت بریندد. اگر آنانی که ادعا دارید بخشیده اید، از شما دوری می کنند یا در حضور شما احساس ناراحتی می کنند، شاید لازم باشد بیشتر تلاش کنید که به ایشان نشان دهید که برآستی آنان را بخشیده اید.

۳- بخشایش واقعی مشتاق است که طرف مقابل از احساس خطا آزاد شود.

گاه می خواهیم به او بفهمانیم که گرچه او را بخشیده ایم، اما هنوز می خواهیم که دچار عذاب وجدان باشد. در ما میل غریبی وجود دارد به اینکه ببینیم طرف مقابل به واسطه عذاب وجدان تنبیه می شود. وقتی از خدا آمرزش را دریافت می کنیم، او می خواهد که ما از احساس گناه و عذاب وجدان آزاد باشیم. همین روحیه را در یوسف می بینیم؛ او برادرانش را به خاطر اینکه او را به بردگی فروخته بودند، بخشید. «و حال، رنجیده مشوید و مُتَغَيِّر نگرديد که مرا بدینجا فروختید، زیرا خدا مرا پیش روی شما فرستاد تا نفوس را زنده نگاه دارد» (پیدایش ۴۵: ۵). یوسف این مرد خدا، قادر بود ببخشد همانگونه که خودش بخشیده شده بود؛ او تصویر بزرگتری را می دید که در آن، خدا دست اندر کار بود؛ او می خواست برادرانش نیز آرامش الهی را تجربه کنند.

۴- وقتی دیگران را به شیوه الهی می بخشیم، مشتاق می شویم که ایشان را از تحقیر شدن و شرمسار گشتن محافظت کنیم. برای این منظور، ایشان را به خاطر کاری که کرده اند، به باد تمسخر نمی گیریم. در اکثر اوقات، اصلاً دیگر موضوع را به روی ایشان نمی آوریم، فقط ایشان را می بخشیم. فکر می کنم یکی از بهترین

نمونه‌ها در این زمینه، دکتر ویلیام میلر باشد که بیش از چهل سال در ایران مشغول خدمت خداوند بود. او یک کت نظامی داشت که برادرش به او داده بود. یک روز این کت ناپدید شد و این امر باعث پریشانی خاطر او گشت. سپس دانست که کت را دزدیده‌اند. روزی او در خانه دوست نزدیکی میهمان بود که درد آن کت به دیوار آویخته است. دکتر میلر دوستش را به خاطر دزدیدن آن کت بخشید و هرگز موضوع را به روی او نیاورد و به این ترتیب، آبروی او رانبرد. او دوستی دوستش را بیش از کتش ارج نهاد و بر آن شد که نقش روح القدس را بازی نکند و داوری را به خدا بسپارد. گویا دکتر میلر کلام خدا را به خوبی می‌دانست که می‌فرماید: «هریک دیگری را بیشتر از خدا اکرام نماید» (رومیان ۱۲: ۱۰).

۵- آخرین نشانه‌بخشایش واقعی، دعا برای طلب برکت الهی برای آنانی است که ما را آزرده‌اند.

عیسی نمی‌توانست این را روشنتر از این بیان کند وقتی که فرمود: «اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید... و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید» (متی ۵: ۴۴). چقدر ساده است که دعا بکنیم و بگوییم: «خداوندا، به او درسی بده» یا «خدایا بگذار آنچه را که کاشته، درو کند». اما آنگاه که برای خطاکاران خود دعای خیر می‌کنیم، طبق خواسته‌ی خداوندمان عمل می‌کنیم. آری، ما از خدا می‌طلبیم که همسر بی‌وفایمان، یا والدین نامهربانمان، یا رهبر کلیسایمان را که زندگی‌مان را از هم پاشیده، برکت دهد. ما این واکنش الهی را در استیفان مشاهده می‌کنیم، آنگاه که چون سنگسار می‌شد، دعا کرد و گفت: «خداوندا، این گناه را بر اینها مگیر» (اعمال ۷: ۶۰).

واقعیت فیض خدا در این جهان، به بارزترین وجه از طریق قدرت بخشایش متجلی می‌شود. وقتی این پنج خصوصیت در زندگی واقعی ما

دیده شود، آیا می توان شک کرد که مسیح در ما ساکن است و قدرتش
در کار می باشد؟

مؤسسه تعلیم

www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production